



## نویسنده : ماریا دارو

### توجه بر کتاب ارزشمند «سرنوشت خانواده ها در جوامع غربی» اثر میرعنایت الله سادات

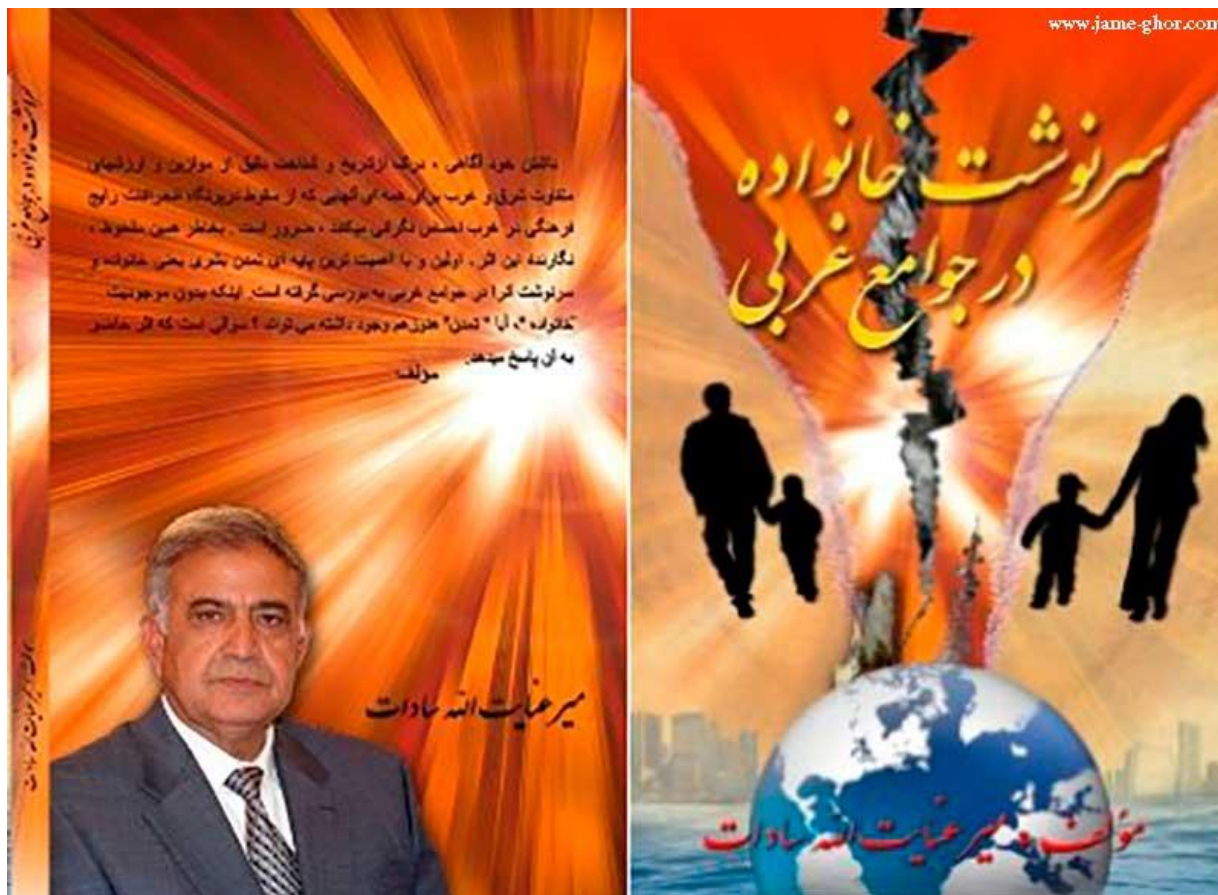
کتابهای بسیار درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی از قلم نویسندگان به چاپ رسیده و مطالعه نموده ام 'بدهی است با مطالعه هر کتاب یک کمبود در بعضی بخشهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در ذهن خواننده خطور می نماید اما جناب محترم سادات در این زمینه آنقدر بدقت تحقیق و پژوهش نموده اند که هیچ گونه خلا در مسائل مربوط به خانواده تأثیرات اجتماع فرهنگ اقتصاد و اقتصاد سیاسی بر خانواده در اثرشان بنظر نمی رسد

محترم سادات دو قاره امریکا و اروپا را از میدای زندگی انسان در کره خاکی و از مبتدی ترین اقتصاد اولیه خانواده تا رشد اقتصاد امروز قدم بقدم با رشد و نمو فکری انسانها و انعکاس سوء آن در رشته تحریر درآورده است این اثر گرانبها در یکصد و سی و سه صفحه و چهارده عنوان درشت و درخشنده که خواننده را به عمق مطالعه دعوت می نماید مرتب شده است. بگونه مثال نکات عمده این آن را خیلی فشرده به شما بازگو می دارم کانون خانواده یکی از استوار ترین و دیرینه ترین واحد اجتماعی می باشد که تداوم فرهنگ و اقتصاد با رشد فکری ایشان تسلسل داشته است. به گواهی تاریخ در شرق نخستین گهواره تمدن و فرهنگ آغاز گردید و تاسیس خانواده از منزلت و ارج فراوانی برخوردار بوده است. ادیان سماوی، پیامبران، نظریه پردازان و مصلحین اجتماعی واحد خانواده را اساس زندگانی جمعی قلمداد نمودند درباره انواع خانواده سخن بسیار تذکر رفته است و سیر تحول آن در پویه تاریخ یکی از مباحث دلچسب جامعه شناسی می باشد. کانون خانواده کماکان در خاورزمین از مقام و اعتبار فراوانی برخوردار است ولی در سرزمین غرب در برخورد با مظاهر دنیای مدرن از جمله تقسیم کار، فردگرایی و آزادی های مدنی و استقلال اقتصادی جنس زن، واحد خانواده دستخوش دگرگونی هایی شد که از دید ما شرقی ها زیان پذیر می باشد

تحقیقات بسیار پرمایه بقلم نویسنده و پژوهشگر توانا «سادات» که تمام جوانب موضوع را به بررسی گرفته است گواهی دیگر است بر تاریخ تمدن شرق و افول تمدن غرب

در این کتاب درباره پیدایش و ساختار خانواده ها در یونان قدیم، امپراتوری روم و قبایل جرمن سخن رفته است. و همچنین مولف صاحب نظر چگونگی خانواده را در قرون وسطی که سلطه فئودالها و پایه داری آنها را به بررسی گرفته و از گذار "خانه" به فامیل و شکل گیری گزینش همسر بحث کرده است

به دنبال آن جهش، در مورد چند و چون خانواده در دوره رنسانس و تأثیرات دوران رمانتیک و انقلاب صنعتی بر فامیل های غربی به سنجش پرداخته است. همچنان از فروپاشی دودمان های باختری و تأثیر مسائل اقتصادی بر ثبات و بی ثباتی خانواده های اروپایی مطالبی زیاد را با نقل قول از نویسندگان بزرگی عنوان کرده است



متعاقباً از دستیابی زنان به حقوق مدنی و اوج گیری جنبش های فمینیستی در زمان معاصر اضمحلال خانواده، افول تمدن غرب تاثیر انحرافی و وسایل اطلاعات جمعی، ضعف سیستم تعلیم و تربیه، مضیقه های مالی، برچیده شدن سفره غذا از داخل فامیل، ترویج زندگی تنهایی، گریز از وظایف مادری و پدری، خدشه دار شدن مفهوم بزرگ " مادر بودن" و انتقال کلان سالان از کاکون گرم خانواده به اماکن بزرگسال و سرانجام سرنوشت فامیل معاصر به تحلیل گرفته شده است

ناگفته پیداست که تمام مسایل مطروحه از اهم قضایای زندگی ما افغانها می باشد و چه بهتر خواهد بود که خوانندگان هموطن ما این کتاب ارزشمند را مطالعه و از محتویات پربهای آن فیض برده و منحیث یک رهنمود بزرگ برای نسل های جوان ما پیشکش بدارند

جناب محترم سادات این اثرش را برای هموطنان که بنا بر اجبار های متنوع از سرزمین خویش دوری گزیدند اما در تار و پود وجود شان به فرهنگ بالنده ای خویش عشق میورزند و آن هایی که حتی در دیار غربت بازم برای خود و فرزندان شان یک محیط دلپذیر فرهنگی ایجاد کرده اند بحث نموده اند

جناب سادات رابطه انسان با اقتصاد و مسایل اجتماعی را با مطالعه و مشاهده دو قاره (آمریکا - اروپا) که خود پیشرفته ترین قاره های جهانی میباشند به تحریر درآورده است. همانطور که با رشد و نموی ذهنی انسانها تمام مسائل مربوط به زندگی نیز ارتقا می نماید و سطح زندگی انسانها را نیز به حرکت درمی آورد. در شرایط کنونی که علم و تکنالوژی به سرعت صوت سریع شده است شیرازه خانواده ها از هم پاشیده است

در زمانهای قدیم شرق نخستین گهواره تمدن و فرهنگ بوده و با ازدواج های مشروع و تاسیس خانواده و تولید نسل به غنای فرهنگ افزوده میگردد و خانواده از منزلت فراوانی برخوردار بوده اند

در این کانون کوچک خانوادگی که پدر رئیس خانواده و مادر مرکزیت و شمع درخشان آن بوده و تمام فرزندان از روشنایی افکار مدیرانه پدر و مادر بهره می بردند. مادر در پرورش و تربیت سالم فرزندان و پدر در تهیه و برآورده ساختن معیشت زندگی خانواده مکلف بودند

کانون کوچک خانواده نمونه از اجتماعی بزرگ محسوب می گردد. بنا یک خانواده سالم عبارت از یک زن و مرد مزدوج بود که با فرزندان شان مشترکاً با محبت زندگی خانوادگی را سپری می کردند که در آن مناسبات جسمی، روانی، اقتصادی و اخلاقی با هم گره می خورد. به همین ترتیب خانواده بین والدین و فرزندان و بانسل های بعدی پیوند خونی و خانوادگی برقرار می کردند و از اهمیت زیادی در اجتماع برخوردار بوده و جایگاه ویژه در جامعه داشتند

توجه نادرست از رشد اقتصادی جامعه «تشکیل اقتصادی فامیل» «حقوق مدنی زنان» جنبش زنان در کشاکش مباحثات تئوریک انحرافات جنسی، آزادی و یا اسارت جدید زنان، انحرافات وسایل اطلاعات جمعی، ضعف سیستم تعلیم و تربیه، مضیقه های مالی، تجرید کلان سالان از کانون خانواده در خانه های مخصوص کلان سالان، ترویج سریع زندگی تنهایی، تخدیش مفهوم بزرگ «مادر بودن» همه و همه از یک طرف خانواده را در معرض خطر قرار میدهد و از طرف دیگر سرنوشت زندگی معاصر غرب را به کجا خواهد کشانید با مطالعه هر برگه این کتاب با واقعیت های زندگی روزمره خویش، محیط و ماحولیکه زندگی داریم برخورد می نماییم و می بینیم در پرتو این وضع جای نظم جمعی و گروهی را یک نوع فرهنگ منفرد سازی اشغال نموده است.

مخصوصاً خانواده های زیاد از شرق در اثر عوامل مختلف راه خویش را بسوی جوامع غربی گشوده اند و به خاطر ادامه زندگی و بنای اقتصادی از دست رفته شان مصروف وظایف شاقه طبق پروگرامهای وضع شده ممالک میزبان گردیده اند و روابط و ضوابط و ارزشهای خانوادگی شان در معرض انحطاط قرار گرفته و «فقر معنویت» آنها را تهدید می نماید.

جناب سادات می نویسد، اندیشه پردازان غربی تحقیقات وسیع در زمینه و دوام مسایل فرهنگی و تمدن شرق انجام داده اند و عوامل بازدارنده ای رشد اجتماعی را برجسته نموده و به پیروی از راه و رسم زندگی غرب تشویق می نمایند بدون اینکه پرده از حقایق دردناک زندگی اجتماعی جوامع غربی خویش بردارند.

به گواهی تاریخ باید اظهار کرد که اگر مدنیت های شرقی مورد تهاجم قرار نمی گرفت، یقیناً امروز درخشش آن تمدنها جهانی میگردید و نمی گذاشت انسانها چنین کجراهه هارا طی طریق نمایند در چنین روند اجتماعی والدین مکلف اند که اطفال شان را به داشته های فرهنگی و مزایای فرهنگی خویش آشنا بسازند و در پرتو یک توازن فرهنگی میان هردو فرهنگ تربیت بنمایند تا از مصایب روحی در امان بمانند.

درک واقعیت های تاریخی و خود آگاهی و شناخت دقیق از موازین و ارزشهای متفاوت شرق و غرب «خود خانواده و فرزندان» شان را از سقوط در پرتگاه انحرافات غربی نجات بخشند.

زیرا سقوط در پرتگاه انحرافات جوامع غربی موجب گسستن شیرازه خانوادگی میگردد. از آگاهی تاریخ یک واقعیت مسلم در رابطه به رشد تمدن های مادی و معنوی جوامع بشری نتیجه بدست میاید که همه یکسان رشد نکرده و نمی نمایند اما در اثر پیشرفت و انکشاف سریع تکنولوژی مدرن امروز این کمبود رفع شد. اما رفع این کمبود یک خلالی بزرگ دیگری را بوجود آورد که موجب انحطاط تمدن غرب گردیده و این انحطاط ارزش های پسندیده فرهنگی و فی المجموع بشری و باعث پاشیدن شیرازه خانواده گردیده است. چون خانواده ها جامعه را تشکیل میدهد باید از گزند انحطاط در امان بمانند.

تحقیقات بزرگ در مورد فامیلهای غربی چندان قدامت تاریخی نداشته و اکثراً پس از طی سالهای اول جنگ جهانی دوم طی نشرات پراکند انتشار یافته است. بعداً تحقیقات شیوه های مشخص را تعقیب نموده و آنهم بیانگر طرز دید گروههای معین اجتماعی را در برداشت. شماری از محققان معتقدند که انسان از آخرین وابستگی ازاد میشود. نظریه پردازان غربی هرکدام شیوه های معین را تحقیق می نمایند و در اثر آن موفق به تحلیل بخشی از واقعیتها و یا پیشبینی از پدیده های در زمینه فامیل ها گردیده اند. بگونه مثال یک دانشمند آمریکایی در سال (۲۰۰۰) تاثیر عمده مدرنیزیشن را در بمیان آمدن «فامیلهای حجروی معاصر» میداند. از این نقطه نظر فامیلها کوچک حجروی بخاطر اجرای وظایف شان برای سیستم سرمایه داری مساعد بودند چونکه در هرکجا زمینه به جلب قوای کارشان مساعد بود و در حالیکه جوامع «عنعنوی» در وجود تعلقات قوی تر و بزرگتر خانوادگی خود بمثابة ای مانع بودند و از استقلالیت فردی جلوگیری می نمودند. این تئوری منفرد سازی و تغییر در فامیلها و فاصله گیری از عنعنه و انتقال نفوذ به مراکز صنعتی و شهر باعث انشقاق فامیلها شده و به سرعت انفرادی سازی جامعه افزایش پیدا کرد.

تاریخ تمدن بشری که اولین گام در جهت پیدایش و تکامل جامعه را آغاز نمود مفهوم آن خانواده و تشکیل آن بود. از همین جهت خانواده اولین تشکیل اجتماعی و پایه و تهادب همه ای تمدن ها در طول تاریخ بشر محسوب میشود و به عبارت دیگر «خانواده» یعنی به اصطلاح امروز «فامیل» حجروی اولین زیربنای جامعه میباشد.

جناب سادات تحقیقات خود را از جوامع مترقی اروپا با پیدایش تمدنها و پیشرفت های اجتماعی اقتصادی و انقلاب صنعتی و سایر مزایا و اهمیت بشر و نواقص و اسارت های ظالمانه بشر در طول تاریخ در کشورهای فرانسه، جرمنی و تمدن روم و یونان با نقل قول از محققین بزرگ و دانشمندان معروف بررسی و جمع آوری نموده و با مثال های خیلی دلچسب تاریخی از نقطه نظر حقوقی اجتماعی اقتصادی روابط و پیوند های اخلاقی مانند ازدواج و تشکیل خانواده، رسم و رواج ها و مذاهب و تاثیر عقاید مذهبی بالای روابط انسانها وضع قوانین اجتماعی و مذهبی و اثرات انقلاب صنعتی که باعث از بین بردن زندگی در «خانه» و غیره شد.

در صفحه (۴۶) این کتاب زیبا از قول یک دانشمند فرانسوی بنام «ایمل دورکیم» (۱۸۵۸-۱۹۱۷) انقباض خانواده بشکل فامیل {های معاصر و تغییر موقف فامیلها در جامعه چنین آمده است که دینامیزم «تحرک» اقتصادی ناشی از انقلاب صنعتی باعث تقسیمات فامیل های حجروی گردید. از این رو بر اساس جامعه شناسی اصطلاحات فامیل های بورژوازی یا شهری فامیلهای کارگری و فامیلهای دهقانی پدید آمد. همچنین در دو قشر بورژوازی و کارگری تغییرات غیر قابل تصور رونما گردید. زنان مربوط به فامیلهای بورژوازی در ابتدا از جریان تولید دور مانده بودند و وظایفشان بخت و یز و تربیه اطفال بود اما زنان مربوط به فامیلهای کارگری عمیقاً در جریان تولید کشانده شدند و این پروسه موجب شد تا فرصت کمتر برای زندگی شخصی و فامیلی خود داشته باشند. آنها وابسته به تولید شدند زیرا تنها معاش شوهران شان برای نیاز های زندگی مکفی نبود. به این ترتیب به شمار زنانی که در کار های تولید سهیم بودند افزایش بعمل آمد. در حالیکه تا قبل از جنگ اول جهانی یکبر سه حصه زنان مربوط فامیلهای کارگر در کار و

تولید برون از منزل استخدام میشوند. این معضله ناآرامی های اجتماعی را تشدید می‌کند. فامیلی‌های بورژوازی که زنان صرفاً وظایفشان در داخل منزل خلاصه میشد، دیر دوام نکرد. عواید مرد در این قشر هم ناکافی گردید و مدل دلخواه فامیلی‌های بورژوازی نیز برهم خورد و کار زنان در خارج از منزل به یک واقعیت عینی جامعه ای صنعتی مبدل گردید. اشغال زنان در کار های برون خانه که ثمره انقلاب صنعتی بود زنان را از نظام کهنه ازاد ساخت و نظام بورژوازی نتوانست آنها را داخل پروسه فامیل جدید بسازد تا در پرتو آن مصالح علیای خانواده نیز برآورده شده بتواند. در آن شرایط نوین اجتماعی و اختناق و تسلط ذهنیت پدرشاهی در جامعه چندان مخالفت شدید بروز نمی‌کرد. در قرن هجدهم که نظام فیودالیزم افول کرد و پیامد آن پیدایش شهرها و سلطه ای قشر شهری (بورژوازی) شد. شهرها به محور اقتصاد و به مرکز صنعت و تجارت مبدل گشت. جای تولید خانگی به صنعت کارخانه‌یی و تجارت تبدیل شد و مردان معاش بگیر نیز وابسته ای همین اجتماع گردیدند.

در اثر تغییرات فوق الذکر و زندگی شهری خانواده نقش خصوصی خود را از دست داد و عرصه های اجتماعی و خصوصی از هم جدا شدند و در حیطه ای صلاحیت های دولت ها قرار گرفتند. مصروفیت و وظیفوی والدین در جهت تربیه لازم و مطلوب اطفال از میان رفت و وظایف تعلیمی که از جانب فامیل پیش برده میشد در پرتو قوانین اجباری به سیستم مکاتب محول شده و از فامیلها منفصل گردید. متأسفانه روی نتایج و دلایل فوق الذکر بخش بزرگی از جوانان امروز که علاقمند ازدواج می‌باشند به تداوم ازدواج با همسر آینده شان مطمئن نیستند. نقطه مشترک فرهنگی میان جوانان امروز و حتی در بین جوانان هم کیش نیز کمتر دیده میشود. اما این مشکل در جوانان شرقی بخصوص آسیا میانه کمتر بوده و هنوز عنعنه در تربیت آنها موثر بوده و احترام به مقام شوهران از طرف خانها ارج گذاری میشود.

تحقیقات دانشمندان آمریکایی نشان میدهد که انگیزه اقتصادی در ازدواج ها برای کسانی که عواید بیشتر دارند موثر و میسر بوده و در حد وسط و یا بالا قرار دارد و کسانی که عاید کمتر دارند علاقه به ازدواج کمتر و ضعیف تر می‌باشد. بعضی از دانشمندان و جامعه شناسان تغییرات در موازین خانوادگی را زیر اصطلاح «تکامل تدریجی» بررسی می‌دارند اگر این اصطلاح تکامل بمقصد انکشاف قواعد ازدواج به سطح متعادل میان زن و شوهر در درون خانواده باشد درست است. اما در حال حاضر و در شرایط موجود استعمال اصطلاح تکامل صدق نمی‌کند خانواده ها در حالت از هم پاشیدن است زیرا تشکیل خانواده های عنعنوی بنابر ظهور عوامل اقتصادی و اجتماعی جدید از هم پاشیده و جای آنرا ساختار فامیل های عصری گرفت. تشکیل اقتصادی فامیلی و فردی ضعیف گردید و شمار ولادات اطفال و ازدواجها و طلاق از تعداد خانواده های آمریکایی میکاهد. کثرت طلاقها خانواده ها را تجزیه نموده و یک فامیل مکمل به دو فامیل نامکمل تقسیم میشود.

بنابر از هم پاشیدن فامیلها و ضعف اقتصادی اطفال در سن خیلی جوان و پیش از وقت در صفوف قوای کارگمارده میشوند و اکثر دختران و پسران الی سن قانونی هجده سالگی در یک ساختار غیر فامیلی در اماکن اختصاصی موسسات تربیه مجدد لیلیه ها و کالج ها و همچنان کلان سالان نیز در اماکن تحت نظارت موسسات اختصاصی زندگی می‌نمایند.

در سال نژده شصت و شش یک نویسنده آمریکایی بنام «بیتی فریدن» با سهم گیری مونث گراها یک سازمان ملی مدافع زنان را در امریکا تاسیس کرد و متعاقباً در اروپا نیز بنا بر همین خواسته های مشابه تاسیس شد که هدف اصلی آنها مبارزه باخطر حقوق مساوی زنان در داخل خانه و محل کار و العای تبعیض در برابر زنان تثبیت سطح مزد زنان تنظیم امور عواید و بالاخره لغو قیودات بر روابط جنسی و رفع ممانعت بر سقط جنین شد. به عبارت دیگر فمینیست ها (مونث گراها) می‌خواستند زن به «آزادی بزرگ» نایل آید و نقش آنها در اقتصاد و سایر عرصه ها بلند برود. جنبش زنان در نیمه دوم قرن بیست رونق تازه یافت و روحیه اعتراض جوانان اروپا و امریکا گسترش پیدا کرد و سرانجام جنبش مذکور بنام (جنبش ضد اتوریته) شهرت یافت. عمدتاً نسل جوان شامل محصلان دانشگاه ها و مکاتب بودند که در برابر موازین اجتماعی نضج یافته نیاکان شان قیام کردند. حرکت آنها از مقابله علیه جنگ امریکا در ویتنام آغاز شد و از همین جنبش جریانات ضد جنگ تقویت یافت. در نهایت جنبش صلح بعداً علیه مسابقات تسلیحاتی و سپس جنبش «سبزها» در برابر استفاده بی بند و بار از طبیعت بمیان آمد.

در پهلوی این دو جریان برخی میلانهای انحرافی نفع بردند که علاقمندی و آزادی بنام «هم جنس بازی» و قانونی شدن سقط جنین را میخواستند.

مقامات مسئول این دو قاره «امریکا و اروپا» نتوانستند شرایط مساعد اقتصادی و اجتماعی را بحیث متعادل ساختن موقف زن و مرد در جامعه ایجاد بدارند بلکه با اشتهارات ترغیب انسانها موجب ناآرامی ها در خانواده ها گردیدند. خانواده ها در معرض انحرافات جنسی قرار گرفتند و ذهنیت انحرافی در جوامع غربی سبب ترویج همجنس بازی و انحراف از جاده موازین فرهنگی و اجتماعی گردید و حتی کلیسا ها از حضور جوانان تهی شد. در چنین حالت با نفوذ آزادانه همجنس بازی در جامعه و آزادی عمل هم جنسبازی رسماً در بسیار از کشور های غربی شناخته شد. قانونی ساختن همجنس بازی اخلاق تربیه و تولید نسل را برهم میزند. و ازدواج های رسمی میان دو جنس مخالف (زن و مرد) مفهوم خود را از دست میدهد.

با قانونی ساختن این عمل به همجنس بازان جرات میدهد تا رسماً اطفال را به فرزندی گرفته تربیت نمایند. فضای سالم تربیت اطفال و محبت خانواده را برهم میزند و بقای نسل را به مخاطره می‌اندازد. در پرتو این قوانین انفرادی ساختن زندگی جوانان و کوچک شدن خانواده ها و سقوط اخلاق در جامعه آنقدر مسلط گردیده است که بسیاری از جوانان بدون ازدواج رسمی با هم زندگی و به تولید نسل می‌پردازند. این قوانین همچنین جنبش های زنان و حرمت زنان را در جامعه پایین آورده است. آزادی کلمه ای مبارک و مقبولی است اما بی حیایی و بی شرمی را بجای آزادی های اجتماعی و فرهنگی مطرح ساختن گناهی بزرگ و جبران ناپذیر می‌باشد که تمام بشریت را به خطر مواجه می‌سازد. همانطور که شیوه پدرسالاری در جامعه تطابق نیافت

این آزادی لجام گسیخته آزاد منشی زنان و مردان با وقار را با قید و بندهای ناشی از سیستم موجود اقتصادی غرب در اسارت قرار میدهد.

نقش خانواده که در پیدایش تمدنهای بزرگ جهانی چشمگیر بوده است از دست می‌رود و تربیت ناسالم اطفال در محیط همجنس بازان جامعه را متشنج می‌سازد. طفلی که در چنین محیط بزرگ میشود نیاز به فهمیدن پدر و مادر بیولوژیک خودش می‌باشد در حالی که او با دو فرد هم جنس عمر میگذراند در باره هویت خویش نیز در تشنج روحی قرار میگیرد و در اجتماع بزرگ جای اصلی هویتی خویش را پیدا کرده نمیتواند. هکذا تبلیغات اطلاعات جمعی منحصراً ماشین ذهن جوانان را برمه می‌کند و اندیشه‌های منفی ناشی از آن موجب پرابلم‌های مادی پرستی و فساد در زندگی روزمره ایشان می‌گردد.

سیستم اقتصادی غربی باعث ضیق ساختن تربیت سالم اطفال در خانواده و از بین بردن روحیه احترام و اعتماد بر اعضای خانواده شده و روی همین دلایل اکثر جوانان از وظایف پدری و مادری گریز میدارند نقش پدر کلان و مادر کلان که در تربیت فرزندان خانواده موثر بود کاملاً از بین رفته و آنها اجباراً در خانه‌های کهن سالان به زندگی می‌پردازند.

اطفال که تحت نظر هم جنس بازان بزرگ میشوند در مقایسه با اطفال که تحت نظر پدر و مادر تربیت می‌شوند از نظر روانی - اخلاقی و روابط اجتماعی و فرهنگی خیلی متفاوت اند. طفلی که در خانواده مزدوج از یک پدر و مادر بدنیا می‌آید و از محبت پرورش سالم والدین یگانه برخوردار می‌باشد از نظر اخلاق تربیت و شناخت روابط خونی فامیلی و قومی سالم تر بوده در اجتماع بزرگ جای خویش را به آسانی پیدا می‌نماید اما برخلاف طفل متقابل با یک ذهنیت محسوس که روابط خونی پدر و مادر قوم و خویش را نمی‌شناسد در جامعه با پرابلم‌های روانی مبتلا گردیده اند.

در چنین حالت رسالت که پدران و مادران در برابر فرزندان شان دارند و همچنان فرزندان رسالتیکه در برابر والدین خویش دارند فراموش کرده دچار سردرگمی شده و در غرقاب فساد سقوط می‌نمایند.

به هر اندازه که پروسه ای اضمحلال خانواده در جوامع غربی تندتر به پیش برود به همان پیمانۀ تمدن غرب و بلخصوص جهات معنوی آن شتابزده در پرتگاه سقوط قرار می‌گیرد.

انحراف و سقوط در جهات معنوی تمدن استقامت‌های مادی و تکنولوژیک را نیز با خود به بیراهه می‌کشاند. هنوز در پرتو قانون آزادی بیان که توان شنیدن انتقاد میسر است و آزادی بیان جرات انتقاد را از مردم نگرفته است فرصت موجود می‌باشد تا جلو تمام انحرافات متذکره را گرفت.

در اخیر باید یاد آور شد که هدف جناب محترم سادات از تهیه این اثر بزرگ و ارزشمند در قدم نخست توجه افغانان مهاجر شده در جوامع غربی را معطوف می‌دارد زیرا این انحرافات که پیوسته عمیق تر شده می‌رود به راهنمایی نسل‌های خود ارزشهای معنوی و اصول فرهنگی خود را در تلفیق با دست آورد های علمی و فنی غرب مشعل راه شان قرار دهند.

با سپاس فراوان از جناب محترم سادات که با حوصله مندی چنین اثر بزرگ را به اختیار مطالعین محترم قرار داده اند از تمام افغانان به خصوص «والدین محترم» تقاضا میشود تا این اثر را مطالعه نموده با بهر مند شدن از مزایای آن در راهنمایی فرزندان شان کوشا گردند.

مرجع بدست آوردن کتاب شخص مولف

نوشته: ماریا دارو